

جلال حیدری ۱، یونس روشنی ۲

۱. حسابرس ارشد دیوان محاسبات استان ایلام (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد واحد همدان

چکیده

سود به عنوان یکی از اقلام مهم و اصلی صورت های مالی، توجه بسیاری از استفاده کنندگان از این صورت ها را به خود جلب می کند. اشخاصی نظیر سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان، مدیران، کارکنان شرکت، تحلیلگران، دولت و دیگر استفاده کنندگان صورتهای مالی از سود به عنوان مبنایی جهت اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری، اعطای وام، سیاست پرداخت سود، ارزیابی شرکتها، محاسبه مالیات و سایر تصمیمات استفاده می کنند. از سوی دیگر از سوی دیگر بخش عمده ساز و کارهای حاکمیت شرکتی^۱ بر این موضوع تاکید دارند که داشتن ویژگی های خاص توسط هیأت مدیره، رفتار فرصت طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر می کنند، بنابراین کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری بهبود خواهد یافت. در این تحقیق به بررسی ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و دقت پیش بینی سود پرداخته شده است. نمونه آماری شامل تعداد ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ است. برای آزمون فرضیه های تحقیق از مدل رگرسیونی چند متغیره خطی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان که هیچ گونه رابطه معناداری بین اندازه هیئت مدیره، نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و تغییر مدیرعامل با دقت پیش بینی سود وجود ندارد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، ساختار هیأت مدیره، دقت پیش بینی سود

Second International Conference on Management and Development Culture
THE RELATIONSHIP BETWEEN THE BOARD AND THE PREDICTION
ACCURACY SVDDR COMPAIES LISTED IN TEHRAN STOCK
EXCHANGE

JALAL HEIDARI 1 ; YOUNES ROSHANI2

1.SENIOR AUDITOR FOR THE COURT OF AUDIT IN ILAM PROVINCE (JHEIDARI59@GMAIL.COM)

2.MA STUDENT OF ACCOUNTING, ISLAMIC AZAD UNIVERSITY, HAMEDAN BRANCH

Abstract

Profit, as one of the most important and prominent component of financial statements attracts the attention of many users of these statements. People, including investors, creditors, managers, company staff, analyzers, government officials and other users of financial statements consider profit as a basis for decision making on investment, granting loans, interest payment policies, evaluating companies, taxation and other important decisions. On the other hand, a lion's share of corporate governance strategies emphasize the fact that board of directors having particular traits leads to the restriction of profit seeking and opportunistic behaviors among the managers. Hence, the quality and reliability of reporting will improve. In this study, we investigate the relationship between the structure of board of directors and the accuracy of the predicted profit. The sample of the study includes 96 companies listed in Tehran Stock Exchange during the time period from 2009 to 2012. In order to test the research hypotheses, linear multi-variable regression model was used. The results of the study show that there is no significant relationship between the size of board of directors, the ratio of outside members in the board of directors, the dual responsibility of the executive manager, and changing the executive manager and the accuracy of the predicted profit.

Keywords: corporate governance, the structure of board of directors, accuracy of predicted profit

Second International Conference on Management and Development Culture

۱- مقدمه

سرمایه گذاری یکی از عوامل مهم توسعه در قرن حاضر است که نیازمند برنامه ریزی است. برنامه ریزی، امکان بهره برداری مناسب از فرصت های موجود را فراهم می آورد. برای افزایش اثربخشی برنامه ریزی باید توانایی پیش بینی صحیح و مستمر را بهبود بخشید. پیش بینی عنصر کلیدی در تصمیم گیری های اقتصادی است. سرمایه گذاران، اعتباردهندگان، مدیریت و سایر اشخاص در تصمیم گیریهای اقتصادی متکی به پیش بینی و انتظارات هستند. شاید بتوان مهم ترین عامل تأثیرگذار بر قیمت سهام را در پیش بینی سود هر سهم جستجو کرد. مهم ترین منبع اطلاعاتی سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و سایر استفاده کنندگان از اطلاعات شرکتها پیش بینی های سود آرایه شده توسط آن ها در فواصل زمانی معین است (ملکیان و همکاران، ۱۳۸۹). این پیش بینی ها چنانچه با دقت صورت گیرد، فرایند تصمیم گیری استفاده کنندگان را تسهیل و بهبود می بخشد. مدیران شرکت در این راه نقشی اساسی را ایفا می کنند. حاکمیت شرکتی مناسب، روابط قابل اعتماد بین شرکت و ذینفعان آن را تضمین می کند. هدف حاکمیت شرکتی خوب، دستیابی به پایداری، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، عدالت، شفافیت و اثربخشی در تمام قسمت های یک شرکت و یا سازمان است. عملکرد مالی شرکت ها با اعمال حق حاکمیت شرکتی آنها رابطه مستقیمی دارد و مدیران بهتر، موجب حاکمیت شرکتی موثر تر شده و به ذینفعان خود توجه می کنند و در نهایت بازده مالی بیشتری را تولید می کنند. یکی از مهمترین مکانیسمهای داخلی حاکمیت شرکتی، توجه به هیئت مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت کننده ای است که نقش مراقبت و نظارت را بر کار مدیران اجرایی به منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران^۲ بر عهده دارد. چنین به نظر می رسد که رمز موفقیت یک شرکت در گرو هدایت مطلوب آن است. وجود جریان صحیح اطلاعات در هیئت مدیره، به همان اندازه برای درستی و صحت عملیات بدنه شرکت لازم است که جریان دائم خون برای سلامت بدن (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۸۵). اهمیت هیئت مدیره به عنوان یکی از مکانیسم های داخلی حاکمیت شرکتی تا آنجاست که این موضوع در بسیاری از قوانین مورد توجه قرار گرفته و رهنمودهایی برای اثربخشی بیشتر آن معرفی گردیده است.

۲- بیان مسئله

سود حسابداری یکی از اقلام مهم صورت های مالی است که استفاده کنندگان از صورتهای مالی آن را به عنوان مبنایی برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی به کار می برند. پیش بینی سود به وسیله مدیریت، از مهمترین منابع اطلاعاتی سرمایه گذاران و سایر اشخاص به شمار می رود، زیرا در بازارهای سرمایه، یکی از عمده ترین راههای دستیابی بسیاری از سرمایه گذاران به اطلاعات شرکت ها، اعلامیه ها و اطلاعیه هایی است که از جانب شرکتها در رابطه با اعلام سود پیش بینی شده هر سهم منتشر می شود. اگر پیش بینی های سود به وسیله مدیریت از دقت لازم برخوردار باشد میتواند به بهبود فرآیند تصمیم گیری استفاده کنندگان از گزارشهای حسابداری منجر گردد (سبزعلی پور و همکاران، ۱۳۹۱). از سوی دیگر بخش عمده ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر این موضوع تاکید دارند که داشتن ویژگی های خاص توسط هیأت مدیره، رفتار فرصت طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر می کنند، بنابراین کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی (به خصوص سودهای حسابداری) بهبود خواهد یافت، در نتیجه موجبات اعتماد بیشتر سرمایه گذاران به بازار سرمایه فراهم می شود (پرگولا، ۲۰۰۶). از جمله این ویژگی ها می توان به اندازه هیئت مدیره، جدایی نقش رئیس هیئت مدیره از مدیر عامل، استفاده از اعضای غیرموظف در هیئت مدیره، وجود افراد متخصص حسابداری در هیئت مدیره، استفاده اعضای هیئت مدیره از خدمات مشاوره تخصصی، استقلال اعضای هیئت مدیره، وجود کمیته های هیئت مدیره و... اشاره نمود. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال است که آیا وجود یک هیئت مدیره دارای ویژگی های معرفی شده در قوانین حاکمیت شرکتی می تواند دقت سود پیش بینی شده را تحت تأثیر قرار دهد یا خیر؟

۳- اهمیت موضوع تحقیق:

Second International Conference on Management and Development Culture

ورشکستگی اخیر شرکتهای بزرگ باعث شده است که جامعه به اهمیت شفافیت و پاسخگویی شرکتهای پی ببرند. از سوی دیگر، مراجع قانونگذار حاکمیت شرکتی را به عنوان ابزاری سودمند برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی افشا شده توسط شرکت ها تلقی می کنند. با این فرض که پیش بینی های سود حاوی اطلاعاتی درباره زمانبندی، شکل و صحت آنها باشد، مطالعه رابطه بین افشای پیش بینی های سود توسط مدیریت و ساختار هیئت مدیره دارای اهمیت است. می توان گفت که فلسفه اصلی پیدایش نظام راهبری شرکت، وجود مسائل نمایندگی یا تضاد منافع میان مدیران و سهامداران است. که به نوبه خود می تواند تصمیم های سرمایه گذاری و تأمین مالی را تحت تأثیر قرار دهد. اهمیت پژوهش حاضر این است که در آن به طور تجربی به مدیران، سرمایه گذاران و سایر تصمیم گیرندگان، نشان داده می شود که ساختار هیئت مدیره شرکت ها چه تأثیری بر دقت سود پیش بینی شده آنها دارد.

۴- مفاهیم ادبی تحقیق :

الف - تاریخچه: هر چند تشکیل شرکت های بزرگ و تفکیک مالکیت از مدیریت در سطح جهانی در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم صورت گرفته و قوانین و مقررات برای نحوه اداره شرکتهای تا دهه ۱۹۹۰ وجود نداشته است، با این همه، موضوع حاکمیت شرکتی به شکل کنونی در دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، امریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات مربوط به اثربخشی هیئت مدیره شرکتهای بزرگ مطرح شده است. مبانی و مفاهیم حاکمیت شرکتی با تهیه گزارش کدبری در انگلستان، مقررات هیئت مدیره در شرکت جنرال موتورز امریکا و گزارش دهی در کانادا شکل گرفت بعدها با گسترش سرمایه گذاریهای بین المللی، نهادهای مختلفی همچون بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و... در این زمینه فعال شده و اصول متعدد و متنوعی را منتشر کرده اند. در سال ۱۹۹۷ در بحران مالی جنوب شرقی آسیا بعد از سقوط دارایی های مالی، اقتصاد تایلند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی و فیلیپین به شدت تحت تأثیر سرمایه های خارجی قرار گرفت. فقدان مکانیزم های حاکمیت شرکتی در این کشورها ضعف موسسات در اقتصاد آنها را نشان داد. پس از وقوع بحران در این کشورها با تاسیس ساختارهای حاکمیت شرکتی، حذف آثار نظام سرمایه ای رابطه ای مانند ارتباطات سیاسی و روابط گروهی و جایگزینی فعالیت های تجاری مبتنی بر عملکرد مورد توجه قرار گرفت. شواهد نشان می دهد که حاکمیت شرکتی یکی از رایج ترین عبارتها در واژگان تجارت جهانی در شروع هزاره جدید شده است. فروپاشی شرکتهای جدیدی مانند انرون و ورلدکام در سالهای اخیر، توجه همگان را به نقش برجسته حاکمیت شرکتی و توجه جدی به اصول آن در مورد پیشگیری از این فروپاشی ها جلب کرده است. این فروپاشی ها موجب زیان بسیاری از سرمایه گذاران و ذی نفعان شد و ناشی از سیستم های ضعیف حاکمیت شرکتی بود، موجب تأکید بیش از پیش بر ضرورت ارتقا و اصلاح حاکمیت شرکتی در سطح بین المللی شد. کشورهای سراسر دنیا سریعاً واکنش بازدارنده حوادث مشابه، نشان دادند. در امریکا بعنوان یک واکنش سریع به این فروپاشی ها، لایحه سر بنیز آکسلی در جولای ۲۰۰۲ تصویب گردید (که از سال ۲۰۰۴ لازم الاجراست) و در ژانویه ۲۰۰۳ گزارشهای هیگز و اسمیت در بریتانیا در پاسخ به شکست های حاکمیت شرکتی، انتشار یافتند. تحقیقات آکادمیک در زمینه حاکمیت شرکتی رونق گرفته است و معیارهای نوین در این مورد پدید آمده و می آیند.

ب - مفهوم حاکمیت شرکتی: بررسی متون متعدد و معتبر نشان می دهد که اولین و قدیمی ترین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین Gubernare به معنای هدایت کردن گرفته شده است که معمولاً در مورد هدایت کشتی به کار می رود و دلالت بر این دارد که اولین تعریف حاکمیت شرکتی بیشتر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل. بررسی ادبیات موجود نشان می دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. تعریفهای مختلفی از حاکمیت شرکتی وجود دارد؛ از تعریفهای محدود و متمرکز بر شرکتهای و سهامداران آنها گرفته تا تعریفهای جامع و دربرگیرنده پاسخگویی شرکتهای در قبال گروه کثیری از سهامداران، افراد یا ذینفعان. تفاوت های چشمگیری در تعریف براساس کشور مورد نظر وجود دارد. حتی در امریکا یا انگلستان نیز رسیدن به تعریف واحد کار چندان آسانی نیست. تعریف های موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می گیرند. دیدگاههای محدود در یک سو و دیدگاه های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در

Second International Conference on Management and Development Culture

دیدگاههای محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان دیده می‌شود. در اینجا به بیان چند تعریف از حاکمیت شرکتی می‌پردازیم. این تعریفها از نگاهی محدود و در عین حال توصیف کننده نقش اساسی حاکمیت شرکتی آغاز می‌شود (کادبری، ۱۹۹۲)، در میانه بر یک دیدگاه انحصاراً مالی که به موضوع روابط سهامداران و مدیریت (پارکینسون، ۱۹۹۴) تاکید می‌کند، می‌رسد و سرانجام به تعریفی گسترده تر خاتمه می‌یابد که پاسخگویی شرکتی را در برابر ذینفعان و جامعه در بر می‌گیرد (تریگر، ۱۹۸۴). "سیستمی که شرکتهای با آن هدایت و کنترل می‌شوند" (کادبری، ۱۹۹۲). "فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران" (پارکینسون، ۱۹۹۴). "ساختار روابط و مسئولیت‌ها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل برای ترویج بهتر عملکرد رقابتی لازم جهت دستیابی به هدفهای اولیه مشارکت" (صندوق بین المللی پول و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۰۱). "حاکمیت شرکتی عبارت است از: ساختارها، فرایندها، فرهنگها و سیستمهایی که عملیات موفق سازمان را فراهم کنند". (کیزی و رایت، ۱۹۹۳). "سیستم حاکمیت شرکتی را می‌توان مجموعه قوانین، مقررات، نهادها و روشهایی تعریف کرد که تعیین می‌کنند شرکتهای چگونه و به نفع چه کسانی اداره می‌شوند" (مگینسون، ۱۹۹۴). "حاکمیت شرکتی عبارت است از تعدادی مسوولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیات مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر استراتژیک که تضمین کننده دستیابی به هدفها، کنترل ریسکها و مصرف مسوولانه منابع است" (فدراسیون بین المللی حسابداران، ۲۰۰۴). "ابزاری که هر اجتماع، به وسیله آن جهت حرکت شرکت را تعیین می‌کند و یا، حاکمیت شرکتی عبارت است از روابط میان گروههای مختلف در تعیین جهت گیری و عملکرد شرکت. گروههای اصلی عبارتند از: سهامداران، مدیرعامل و هیئت مدیره. سایر گروهها شامل کارکنان، مشتریان، فروشندگان، اعتباردهندگان و اجتماع" (رابرت مانکز و نل مینو، ۱۹۹۵). "حاکمیت شرکتی تنها مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه به هدایت، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آنها به تمام ذینفعان شرکت (اجتماع) نیز مربوط است" (تریگر، ۱۹۸۴). تعریفهای محدود، متمرکز برقابلیتهای سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت است (مثلاً پارکینسون ۱۹۹۴)؛ تعاریف محدود اساساً برای مقایسه میان کشوری مناسبند و قوانین هر کشور نقش تعیین کننده‌ای در سیستم حاکمیت شرکتی دارد. تعریفهای گسترده تر حاکمیت شرکتی بر سطح پاسخگویی وسیعتری نسبت به سهامداران و دیگر ذینفعان تاکید دارند. تعریفهای تریگر (۱۹۸۴)، مگینسون (۱۹۹۴) و رابرت مانکز و نل مینو (۱۹۹۵) که به گروه بیشتری از ذینفعان تاکید دارند، از مقبولیت بیشتری نزد صاحب نظران برخوردارند. از دیدگاه کلان، حاکمیت شرکتی مناسب یعنی مقداری که شرکتهای در یک فضای باز و صادقانه اداره می‌شوند. برای جلب اعتماد بازار، کارآمدی سرمایه، تجدید ساختارهای صنعتی کشورها و در نهایت ثروت عمومی جامعه دارای اهمیت است. زیر بنای حاکمیت شرکتی مبتنی بر تئوری نمایندگی که مجموعه ای از قراردادهای مابین ریسک پذیران (یعنی سهامداران) و مدیران بنگاه های اقتصادی میباشد. عبارت بهتر، تامین بازده مطلوب و ارزش ماندگار برای بنگاه اقتصادی از وظائف مدیران و پرداخت پاداش و حق الزحمه از تعهدات سهامداران میباشد. در واقع زیر بنای مذکور مبتنی بر یک دیدگاه محدود از تئوری نمایندگی میباشد در صورتیکه در دیدگاهی گسترده تر علاوه بر سهامداران طیف وسیعی از ذینفعان از جمله هیئت مدیره، مدیران ارشد اجرایی، کارکنان، فروشندگان، مشتریان، حسابرسان، حسابداران، تحلیلگران مالی، کارگزاران بورس، بانکداران و اعتباردهندگان، نهادهای اجتماعی، وکلای حقوقی، قضاوت و جامعه را در برمیگیرد. بررسی ها نشان می‌دهد که هر کشور سیستم حاکمیت شرکتی منحصر به خود را دارد. سیستم حاکمیت شرکتی موجود در یک کشور با تعدادی عوامل داخلی از جمله ساختار مالکیت شرکتهای، وضعیت اقتصادی، سیستم قانونی، سیاستهای دولتی و فرهنگ معین می‌شود. همچنین عوامل خارجی از قبیل میزان جریان سرمایه از خارج به داخل، وضعیت اقتصاد جهانی و عرضه سهام در بازار سایر کشورها بر سیستم حاکمیت شرکتی موجود در یک کشور تأثیر دارند.

Second International Conference on Management and Development Culture

ج - حاکمیت شرکتی درون سازمانی (رابطه ای): حاکمیت شرکتی درون‌سازمانی، سیستمی است که در آن شرکتهای فهرست‌بندی شده یک کشور تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. این سهامداران ممکن است اعضای خانواده موسس (بنیانگذار) یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانکهای اعتباردهنده، شرکتهای دیگر یا دولت باشند. به سیستمهای درون‌سازمانی به دلیل روابط نزدیک رایج میان شرکتهای و سهامداران عمده آنها، سیستمهای رابطه‌ای نیز می‌گویند. هرچند در مدل حاکمیت شرکتی درون‌سازمانی به واسطه روابط نزدیک میان مالکان و مدیران، مشکل نمایندگی کمتری وجود دارد، ولی مشکلات جدی دیگری پیش می‌آید. به واسطه سطح تفکیک ناچیز مالکیت و کنترل (مدیریت) در بسیاری از کشورها (مثلاً به دلیل مالکیت خانواده‌های موسس) از قدرت سوء استفاده می‌شود. سهامداران اقلیت نمی‌توانند از عملیات شرکت آگاه شوند. شفافیت کمی وجود دارد و وقوع سوء استفاده محتمل به نظر می‌رسد. معاملات مالی، مبهم و غیرشفاف است و افزایش سوء استفاده از منابع مالی، نمونه‌هایی از سوء جریانها در این سیستمها شمرده می‌شوند. در واقع، در بسیاری از کشورهای آسیای شرقی، ساختارهای تمرکز افراطی مالکیت و نقاط ضعف مربوط به حاکمیت شرکتی به خاطر شدت بحران آسیایی در سال ۱۹۹۷ مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. در زمان بحران آسیایی، سیستمهای حاکمیت شرکتی در کشورهای آسیایی شرقی به جای مدل برون‌سازمانی بیشتر در گروه درون‌سازمانی قرار داشتند. حمایت قانونی ضعیفتر از سهامداران اقلیت در بسیاری از کشورهای آسیای شرقی به سهامداران اکثریت امکان داد تا هنگام بحران به اختلاس و سوء استفاده از ثروت سهامداران اقلیت بپردازند.

د - حاکمیت شرکتی برون‌سازمانی (محیطی): در این سیستم‌ها، شرکتهای بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون‌سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می‌شود که توسط برل و مینز (۱۹۳۲) مطرح شد. همان‌طور که بعدها جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) در نظریه نمایندگی مطرح کردند، مشکل نمایندگی مرتبط با هزینه‌های سنگینی است که به سهامدار و مدیر تحمیل می‌شود. اگرچه در سیستمهای برون‌سازمانی، شرکتهای مستقیماً توسط مدیران کنترل می‌شوند، اما به طور غیرمستقیم نیز تحت کنترل اعضای برون‌سازمانی قرار دارند. اعضای مذکور، نهادهای مالی و همچنین سهامداران خصوصی هستند.

ه - نقش هیئت مدیره در حاکمیت شرکتی: حاکمیت شرکتی را می‌توان نظامی نامید که شرکتهای با آن، هدایت و کنترل می‌شوند. پس در این میان جایگاه هیئت مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. چنین برمی‌آید که رمز موفقیت یک شرکت در گروهی هدایت‌مطلوب آن است. در یکی از تحقیقات انجام شده در دانشگاه هاروارد بر اساس مصاحبه با ۶۵ عضو هیئت مدیره، مدیران را به این اجماع قوی رساند که رمز بهبود عملکرد هر شرکت در هیئت مدیره هر شرکت نهفته است. همچنین این تحقیق بر این امر تأکید داشت که شرکت و هیئت مدیره یکی نیستند. هر هیئت مدیره‌ای نیاز دارد تا ساختار، فرآیند و عملکردی را توسعه دهد که نیازهای شرکت و آن کسب و کار را برآورده می‌سازد. به زبان ساده، هیئت مدیره به گروهی از افراد که قانونی در حاکمیت سازمان مسئول هستند، گفته می‌شود. هیئت مدیره به عنوان جزء اصلی حاکمیت شرکتی در کنار سهامداران و مدیریت عامل نقش عمده‌ای را در برابر ذی‌نفعان بر عهده دارد.

و - وظایف و مسئولیت‌های هیئت مدیره: وظایف و مسئولیتهای اصلی هیئت مدیره^۳ را بدین گونه برشمرده‌اند:

- تصمیم‌گیری در مورد هدف و وظیفه سازمان؛
- تأمین شرایط بقای سازمان؛
- انتخاب و انتصاب مدیر اجرایی ارشد؛
- حمایت از مدیر اجرایی و نظارت بر عملکرد او؛
- برنامه‌ریزی مؤثر سازمانی و حاکمیت بر سازمان تحت قوانین دولتی؛

Second International Conference on Management and Development Culture

- تأمین منابع کافی و مدیریت مؤثر آن؛
- طرح و نظارت روی برنامه ها و خدمات سازمان؛
- ارتقای افکار عمومی نسبت به سازمان با پاسخگو بودن؛
- عملکرد به عنوان شورای عالی استیناف؛
- ارزیابی عملکرد خود هیئت مدیره.

ز-ویژگی های یک هیئت مدیره مطلوب: مهمترین ویژگی های یک هیئت مدیره مطلوب را می توان به شرح زیر عنوان کرد:

- برگزاری منظم جلسات هیئت مدیره
- توازن قوا
- اطمینان متقابل در بین اعضای هیئت مدیره
- آمادگی پذیرش افکار و راهبردهای جدید
- درک عمیق از کسب و کار شرکت
- شرکت در دوره های آموزشی لازم
- داشتن صفات عالی اخلاقی، درستکاری، راستی و امانتداری
- نباید اجازه داده شود که یک شخص خاص، بر جلسات هیئت مدیره و فرآیند تصمیم گیری مسلط شود
- هیئت مدیره باید مسئولیت تهیه صورتهای مالی را بر عهده گیرد
- اعضای غیرموظف هیئت مدیره باید دارای دیدگاه مستقلی باشند

ح- سازوکارهای حاکمیت شرکتی جهت استقرار یک هیئت مدیره مطلوب: هیئت مدیره، مهمترین عنصر در ساختار شرکت های بزرگ است. مسائلی مانند ترکیب اعضای هیئت مدیره، مسائلی که هیئت مدیره بر آن تمرکز دارد، فرآیندهای تصمیم گیری و نیز آموزش چگونگی بهبود مستمر، بر کیفیت تصمیم گیری و مدیریت تاثیر می گذارد. روشهای متعددی وجود دارد که به کمک آنها می توان اثربخشی وظیفه "هدایت" هیئت مدیره را افزایش داد. مهم ترین این روش ها و ساختارها عبارتند از: تفکیک وظایف رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل

اندازه هیئت مدیره

نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره

ثبات مدیرعامل

حقوق و مزایای مدیران موظف

استفاده از متخصص حسابداری و مالی

استقلال اعضای هیئت مدیره

آموزش مدیران

ط- تفکیک وظایف رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل: در دستورالعمل حاکمیت شرکتی ایران نیز مقرر شده است که رییس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت نباید شخص واحدی باشد. از دیدگاه نظری، هنگامی که مدیرعامل در جایگاه رییس هیئت مدیره قرار می گیرد، تضاد منافع به وجود می آید (پترا، ۲۰۰۵). تفکیک وظایف رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، از جمله محرک هایی است که موجب کاهش مشکلات نمایندگی و بهبود عملکرد شرکت می شود. (دونالدسون و دیویس، ۱۹۹۴). اعتقاد بر این است که در شرکت های دارای سازوکارهای مطلوب حاکمیت شرکتی از قبیل تفکیک وظایف و یا ترکیب بهینه ای از مدیران موظف و غیر موظف، به احتمال زیاد نظارت مؤثرتری بر مدیریت صورت می گیرد. قدرت تصمیم گیری متمرکز در نتیجه دوگانگی

Second International Conference on Management and Development Culture

وظیفه مدیر عامل ممکن است موجب کاهش استقلال هیأت مدیره و کاهش گرایش طبیعی آن برای افشای اختیاری اطلاعات گردد. همچنین نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که تفکیک وظایف واقعا موجب بهبود قابل ملاحظه‌ای در عملکرد مالی شرکت شده است (پیل و اودانل، ۱۹۹۵). کولز و همکاران (۲۰۰۱) و تیلور و واتر (۲۰۰۴) نیز به این نتیجه رسیدند که جداسازی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل با عملکرد عملیاتی بالاتری در ارتباط است.

البته تحقیقات دیگری نیز نشان دهنده رابطه منفی جدایی نقش مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و عملکرد شرکت است. در این خصوص می‌توان به تحقیقات راجدی و دیگران (۲۰۰۸)، دالتون و دیگران (۱۹۹۸) و بوید (۱۹۹۵) اشاره نمود.

ی-اندازه هیئت مدیره: اندازه هیئت مدیره، یکی دیگر از سازوکارهای نظام راهبری شرکت است که در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. اغلب پژوهشگران دریافته‌اند که اندازه هیئت مدیره به دو طریق موجب بهبود عملکرد شرکت می‌شود: (۱) نیاز بیشتر شرکت به ایجاد ارتباط با محیط بیرون (۲) مسئولیت اجرایی بیشتر در شرکت‌ها (کریوگرسی، ۲۰۰۶). شواهد تجربی حاکی از آن است که هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص اندازه بهینه هیئت مدیره وجود ندارد. دو دیدگاه متضاد پیرامون نقش اندازه هیئت مدیره وجود دارد. دیدگاه اول بیان می‌دارد که هیئت مدیره کوچک باعث ارتقای عملکرد شرکت می‌شود. به اعتقاد جنسن (۱۹۹۳) تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت‌هایی زیاد است موجب کاهش اثربخشی آنها می‌شود. همچنین زمانی که اعضای هیئت مدیره بیش از اندازه باشد، کنترل و نظارت بر مدیرعامل به صورت کارا صورت نمی‌پذیرد (لیپتن و لورچ، ۱۹۹۲). شواهد آماری نشان داده است که عملکرد و ارزش شرکت با تعداد اعضای هیئت مدیره نسبت معکوس دارد (یرماک، ۱۹۹۶). یک هیئت مدیره بیش از اندازه بزرگ، توانایی ایفای وظایف خود را به نحو احسن از دست می‌دهد و بیشتر در جایگاهی سمبولیک قرار می‌گیرد (هرمالین و ویسبک، ۲۰۰۳). گرین (۲۰۰۵) نیز معتقد است که تعداد اعضای هیئت مدیره باید محدود باشد تا امکان بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا گردد. هیئت مدیره‌های بزرگتر، از قدرت کمتری برخوردارند. در این گونه هیئت مدیره‌ها، توافق نظر و اجماع در خصوص یک موضوع خاص بسیار دشوار است. از سوی دیگر، عده‌ای دیگر همچون معتقدند که اندازه هیئت مدیره باید به میزان کافی بزرگ باشد تا دربردارنده طیفی از مهارت‌ها و تجارب افراد گوناگون باشد (لیپمن و لیپمن، ۲۰۰۶). به علاوه هیئت مدیره‌ی بزرگتر در زمینه‌هایی از قبیل تجربه، مهارت، جنسیت، ملیت و غیره مزیت دارد (دالتون و دالتون). اما آنچه که مشخص است این است که هیئت مدیره باید اندازه‌ای معقول داشته باشد (ثقفی و صفرزاده، ۱۳۹۰). مطابق دستورالعمل حاکمیت شرکتی ایران، در شرکت‌های بزرگ تعداد اعضای هیئت مدیره حداقل باید هفت نفر باشد.

ک-پیش بینی سود: سود یکی از اقلام مهم و اصلی صورتهای مالی است که توجه استفاده‌کنندگان صورتهای مالی را به خود جلب می‌کند. سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان، مدیران، کارکنان شرکت، تحلیلگران، دولت و دیگر استفاده‌کنندگان صورتهای مالی از سود به عنوان مبنایی جهت اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، اعطای وام، سیاست پرداخت سود، ارزیابی شرکتها، محاسبه مالیات و سایر تصمیمات مربوط به شرکت استفاده می‌کنند (مشایخ و شاهرخی، ۱۳۸۶). دارندگان اوراق قرضه و بستانکاران کوتاه مدت نیز به سود آینده شرکت علاقه مند می‌باشند. هر قدر انتظار نسبت به سود شرکت بیشتر باشد، انتظار اینکه بستانکاران بازده سالانه خود را دریافت نمایند و نیز انتظار اینکه شرکت بتواند اصل بدهی را در سررسید بازپرداخت، نماید، بیشتر خواهد شد. (هندریکسون و ون بردا، ۱۹۹۲) پیش بینی به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا فرایند تصمیم‌گیری خود را بهبود بخشند و خطر تصمیم‌های خود را کاهش دهند. آنها علاقه دارند، منافع آینده سرمایه‌گذاری خود را برآورد نمایند تا بتوانند درباره دریافت سود نقدی آینده و نیز ارزش سهام خود داوری کنند. بیور می‌گوید: "پیش بینی‌ها را می‌توان بدون اخذ تصمیم انجام داد ولی کوچکترین تصمیم‌گیری را بررسی دقت پیش بینی سود توسط مدیران و عوامل موثر بر آن نمی‌توان بدون پیش بینی انجام داد." اطلاعات ارائه شده توسط شرکت و در نتیجه سود، مبتنی بر رویدادهای گذشته شرکت است اما سرمایه‌گذاران، نیازمند اطلاعاتی راجع به آینده شرکت می‌باشند. یکی از دیدگاههای موجود در این مورد، ارائه صرفاً اطلاعات تاریخی و جاری توسط

Second International Conference on Management and Development Culture

واحد تجاری است البته به نحوی که سرمایه گذاران بتوانند خود پیش بینی های مربوط به آینده را انجام دهند. دیدگاه دیگر این است که مدیریت با در دست داشتن منابع و امکانات شبه انجام پیش بینی های قابل اعتماد بپردازد و با انتشار عمومی این پیش بینی ها، کارایی بازارهای مالی را افزایش دهد. تصمیم گیری درباره انتخاب بین دو دیدگاه بالا مشکل به نظر میرسد زیرا درک قابل قبولی از نحوه پردازش اطلاعات توسط سرمایه گذاران موجود نیست و تئوری بازار کارا بر میزان و سرعت تاثیر اطلاعات مالی بر قیمت سهام تاکید دارد. تحقیقات مختلف، به نتایج متضادی در این مورد رسیده اند. اما به طور کلی، نظر اغلب دست اندرکاران مالی بر این است که انتشار پیش بینی های مالی به اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری کمک می کند. با توجه به موارد فوق می توان نتیجه گرفت که سودهای پیش بینی شده می تواند در موارد زیر مفید واقع گردد:

- کمک به ارزیابی قدرت سودآوری واحد تجاری
- تعیین ارزش جاری سهام یا ارزش کل شرکت
- برآورد ریسک سرمایه گذاری در واحد تجاری
- برآورد ریسک وام اعطایی به واحد تجاری

ل - محتوای اطلاعاتی سود: نتایج مطالعات پیشین حاکی از آن است که سود پیش بینی شده توسط شرکتهای دارای محتوای اطلاعاتی^۵ و کارایی^۶ بوده و از این جهت اهمیت پیش بینی سود حسابداری به دلیل نقش و تأثیر آن در تصمیم گیریهای استفاده کننده به ویژه سرمایه گذاران بارزتر می شود. از سال ۱۹۶۵ تاکنون فرضیه بازار کارا مطرح است. تحت این فرضیه کلیه اطلاعات مربوط و موجود در قیمت سهام منعکس بوده و حتی سرمایه گذاران درون سازمانی که به اطلاعات دست اول دسترسی دارند نیز قادر به تحصیل بازده غیر عادی نخواهند بود. در چنین بازاری افزایش کامل اطلاعات و بخصوص اطلاعات حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی می باشد. با طرح فرضیه بازار کارا اساساً این ادعا مطرح بود که اگر بازار سرمایه از کارایی نسبی برخوردار باشد، در فرایند جذب اطلاعات به سرعت و قوت عمل نموده و قیمت های سهام در بازار همواره انعکاس مطلوبی از وقایع مرتبط به شرکت خواهد بود. بر اساس این فرضیه هیچکس نمی تواند در بلند مدت بطور سیستماتیک بیشتر از میزان ریسکی که قبول کرده است، بازده کسب کند. تحقیق درباره محتوای اطلاعات برای مشاهده نقشی است که اطلاعات حسابداری می توانند در تبیین رفتار بازده اوراق بهادار داشته باشند. روش مزبور بدین سبب به کار برده می شود تا مشخص شود که آیا اعلام یک رویداد باعث تغییر در ویژگی های توزیع بازده سهم (یعنی میانگین یا واریانس) می شود یا خیر. تحقیق مشهوری را که بال و برون (۱۹۶۸) انجام دادند انگیزه نخستین را بوجود آورد، زیرا آنها در تحقیق خود مشاهده کردند که تغییرات غیر منتظره سود با بازده باقی مانده سهام رابطه مستقیم دارد. ویلیام بیور (۱۹۶۸)، چامبرز و پن مان (۱۹۸۳) نیز تحقیقات راجع به محتوای اطلاعاتی سود را ادامه دادند. جیمز پاتل (۱۹۷۶) جهت ارزیابی محتوای اطلاعات پیش بینی شده، تصمیم گرفت آنرا از طریق تاثیر اعلام سود پیش بینی شده توسط شرکتهای بر روی قیمت سهام مورد آزمون قرار دهد. نایدر هوفر و ریگان (۱۹۷۲) نیز تحقیقی در زمینه سود و قیمت سهام انجام داده اند. واتس و زیمرمن انگیزه پرداختن به رفتار سری زمانی سود حسابداری را در سال های اخیر، ناشی از گسترش مدل های ارزشیابی اوراق بهادار می دانند. ویلیام بیور نیز معتقد است اهمیت این حوزه ی اندیشه حسابداری از آن رو است که بستر گسترش بخش مهمی از پژوهش های تجربی حسابداری و امور مالی را فراهم می سازد. انتظارات سهامداران در خصوص سودهای آتی می تواند به عنوان عامل اصلی در پیش بینی سود تقسیمی، ارزش هر سهم و ارزش کل شرکت باشد. اعتبار دهندگان نیز به سود آتی شرکت علاقه مند هستند. هرچه میزان سود پیش بینی شده شرکت بیشتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که اعتبار دهندگان اصل و بهره وام را در سررسیدهای مقرر دریافت دارند. یکی از منابع اطلاعات سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و بازار بورس اوراق بهادار تهران، ارائه پیش بینی های سود توسط شرکتهای است. سود پیش بینی شده می تواند مبنای مناسبی در تصمیم گیری های سرمایه گذاری به شمار آید و در صورتی که میزان انحرافات زیاد باشد می بایست به دنبال یافتن راه حلهایی برای قابل اتکاتر کردن پیش بینی سود توسط شرکتهای بود. نتایج تحقیقات قبلی نشان می دهد که سود پیش بینی شده دارای محتوای اطلاعاتی است، به عبارت دیگر اعلام سود پیش بینی شده باعث انحراف در میانگین نرخ بازده غیرعادی می

Second International Conference on Management and Development Culture

گردد. بنابراین اهمیت سود پیش بینی شده به دلیل نقش و تاثیر آن در تصمیم گیریهای استفاده کننده بارزتر می شود. همچنین نتایج بدست آمده نشان داده که بین سود پیش بینی شده و واقعی رابطه مثبت وجود داشته و پیش بینی های انجام شده از دقت نسبتاً کافی برخوردار می باشند. بین سود پیش بینی شده و واقعی ارتباط قوی وجود داشته و گزارش های پیش بینی سود دارای خطای پیش بینی کم می باشد.

م-دقت پیش بینی سود و عوامل مؤثر بر آن: شواهد تجربی نشان داده اند که سرمایه گذاران به اطلاعاتی نظیر پیش بینی سود هر سهم اتکا کرده و در قیمت گذاری سهام^۷ از آن استفاده می کنند. این پیش بینی، بیان کننده انتظارات مدیریت در مورد رویدادهای آتی است که ممکن است به وقوع بپیوندد لذا دقت این پیش بینی برای سرمایه گذاران حائز اهمیت است زیرا تصمیم گیری سرمایه گذاران در مورد خرید، فروش و یا نگهداری سهام بر مبنای این اطلاعات است. بنابراین خطای پیش بینی سود عامل مهمی در عملکرد بازار ثانویه است. مدل های مختلفی برای پیش بینی سود وجود دارد. این مدل ها از دقت لازم برخوردار نیست. پیش بینی های انجام شده توسط افراد حرفه ای از جمله تحلیلگران، دقیقتر از پیش بینی هایی است که توسط این مدل ها انجام می گیرد (براون، ۱۹۹۷). اما دقت پیش بینی های این افراد نیز تحت تاثیر عوامل مختلفی است. مثلاً تحقیقات بولیگر (۲۰۰۱) نشان می دهد که دقت پیش بینی تحلیلگران با تجربه آنها و همچنین تعداد شرکتهایی که تحلیل می کنند، رابطه مستقیم دارد. همچنین دقت پیش بینی در کشورهای مختلف می تواند تحت تاثیر عواملی مانند سیستم مالیاتی یا اصول حسابداری باشد. یکی از ابزارهای تعامل مدیران شرکتها با بازار، ارائه اطلاعاتی در مورد پیش بینی سود شرکت است که بدین وسیله شرکتها می توانند رفتار بازار را تحت تاثیر قرار دهند. از آنجا که بسیاری از تحلیلگران و سرمایه گذاران، تصمیمهای خود را با توجه به اطلاعات موجود می گیرند و از طرفی ارزش پیش بینی های سود انجام شده توسط مدیران در مقایسه با سودهای جاری و ارزش دفتری سرمایه ارزش بیشتری دارد (اتا، ۲۰۰۱) و سودهای پیش بینی شده توسط مدیریت در ارزیابی شرکتها و تاثیرگذاری بر قیمت سهام شرکتها معیار با اهمیتی است. (کاج، ۲۰۰۱)، باید انتظار داشت، مدیران شرکتهای بورس در پیش بینی های خود نهایت دقت را به عمل آورند. تنوع منابع پیش بینی سود سبب توجه به دقت در پیش بینی می شود. منبعی که به درصد اشتباه کمتری بیانجامد یعنی پیش بینی به واقعیت نزدیک باشد، مطمئن تر خواهد بود. در دنیا تحقیقات زیادی به مقایسه دقت پیش بینی سود توسط مدیران با مدل های سری زمانی یا پیش بینی سود توسط تحلیلگران با مدل های سری زمانی^۸ یا مقایسه هر سه مدل با هم پرداخته است. نتایج اکثر تحقیقات نشان می دهد؛ پیش بینی مدیران یا تحلیلگران نسبت به پیش بینی بر اساس مدل های سری زمانی دقیق تر است. در کشور ما به طور رسمی تحلیلگرانی وجود ندارد که به پیش بینی سود بپردازند، یا پیش بینی های آنها به صورت مدون وجود ندارد، سرمایه گذاران یا از پیش بینی مدیران استفاده می کنند یا اینکه خود راساً اقدام به پیش بینی سود می نمایند. تحقیقات زیادی در زمینه دقت و توانایی پیش بینی سود از هر یک از منابع تحلیلگران، مدیران و یا مدل های سری زمانی انجام شده است. سودمندی هر یک از منابع اطلاعاتی مذکور به میزان انحراف از پیش بینی سود آنها بستگی دارد. افشا از طریق صورتهای مالی و خارج از آن دو مسیر مهم هستند که از طریق آن مدیران اطلاعات را به سهامداران خارجی انتقال می دهند. اگر چه شمار زیادی از مطالعات نشان می دهند که هر دو نوع افشا در بردارنده اطلاعات مربوطی هستند و به صورت با اهمیتی قیمت اوراق را تحت تاثیر قرار می دهند، اما این سوال که آیا خطاهای موجود در اطلاعات افشا شده خارج از صورتهای مالی را می توان بر مبنای اطلاعات افشا شده از طریق صورتهای مالی پیش بینی نمود، به طور گسترده ای بدون پاسخ باقی مانده است.

یکی از اطلاعات افشا شده خارج از صورتهای مالی، سود پیش بینی شده توسط مدیریت است که منعکس کننده پیش بینی مدیریت درباره چشم انداز آتی است. اقلام تعهدی نیز، بعد مهمی از گزارشگری مالی است و در بردارنده پیش بینی چشم گیری درباره عملکرد آتی است. از آنجایی که هم پیش بینی سود و هم ایجاد اقلام تعهدی هر دو در بردارنده درجه زیادی از ذهن گرای مدیریت است، اشتباهات موجود در برآوردهای تجاری مدیریت به احتمال زیادی هم در پیش بینی سود و هم در اقلام تعهدی^۹ آشکار می گردد. این دو شیوه افشا بدلیل برآوردهای نادرست مدیران از آینده تجاری شرکتها، در بر دارنده خطاهای

Second International Conference on Management and Development Culture

مشترکی هستند. بدلیل تغییر در شرایط تجاری (مانند تغییر غیر قابل پیش بینی در تقاضای بازار و استراتژیهای رقبا) محیط عملیاتی یک شرکت آکنده از ابهام است. این امر بدین معنی است که دانش مدیریت نسبت به محیط تجاری شرکت کامل نیست. دانش کم مدیریت به طور اجتناب ناپذیری خطاهایی در برآورد چشم انداز تجاری ایجاد می نماید. به علاوه، عدم اطمینان در محیط عملیاتی می تواند جانبداری های آگاهانه مدیریت را در پردازش اطلاعات تشدید نماید، که منجر به خطاهایی در برآوردهای آینده ی تجاری میشود.

ن-افشای سود پیش بینی شده: سودهای پیش بینی شده توسط مدیریت در بسیاری از کشورها در زمره افشای داوطلبانه اطلاعات قرار دارند. در آمریکا کمیسیون بورس اوراق بهادار در اوایل سال ۱۹۷۳ برای اولین بار به شرکت های پذیرفته شده در بورس اجازه افشای پیش بینی های سود را داد و دو سال بعد شرکت ها را ملزم به انتشار چنین اطلاعاتی کرد. در آوریل سال ۱۹۷۶، این الزام بدلیل مخالفت زیاد، برداشته شد و سرمایه گذاران جزء ناچار بودند به تحلیلگران مالی اتکا کنند (مشایخ و شاهرخی، ۱۳۸۶). در ایران نیز شرکتهای موظف هستند که پیش بینی درآمد متعلق به هر سهم خود را به صورت سه ماهه و یک ساله برآورد و حداکثر ۲۰ روز بعد از پایان دوره سه ماهه به مدیریت نظارت بر شرکتهای سازمان بورس اوراق بهادار تهران ارسال نمایند. ضمناً در صورت وقوع موارد خاص یا رویدادهای با اهمیتی که دارای آثار قابل توجه در وضعیت مالی، خصوصاً تأثیر گذار بر درآمد هر سهم، از قبیل تغییرات ناشی از قیمت محصولات، نرخ مواد اولیه، تولید محصولات جدید و سایر موارد مربوطه باید در اسرع وقت اطلاعات لازم به بورس ارائه گردد.

پیشینه تحقیق

طی سالهای اخیر تحقیقات زیادی در خصوص تأثیرات حاکمیت شرکتی و سازوکارهای مختلف آن و همچنین عوامل موثر بر پیش بینی سود صورت گرفته است.

الف- تحقیقات خارجی:

۱- فیروز و اسمیت (۱۹۹۲) مشاهده کردند که شرکتهای بزرگتر نسبت به شرکت های کوچکتر سرمایه بیشتری را به دست می آورند، بنابراین، پیش بینی آنها مشکلتر و دارای دقت کمتری است. بنابراین، انتظار می رود که رابطه بین اندازه شرکت و دقت پیش بینی در دو جهت متفاوت باشد.

۳- تحقیق جلیک و همکاران (۱۹۹۸) عکس نتایج فوق بود. آنان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هر اندازه شرکت بزرگتر باشد، سود شرکت با ثبات تر و پیش بینی های سود توسط مدیریت دارای صحت و دقت بیشتری است. بنابراین، انتظار می رود یک رابطه منفی بین اندازه شرکت و سطح خطای مطلق پیش بینی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، رابطه مثبت بین اندازه شرکت و دقت پیش بینی سود وجود دارد.

۴- آجینکیا و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی رابطه ترکیب هیأت مدیره شرکت و سرمایه گذاران نهادی با ویژگیهای پیش بینی سود مدیریت پرداختند. در این تحقیق برای آزمون دقت پیش بینی سود، خطای پیش بینی سود به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. نتایج تحقیق نشان دهنده وجود رابطه معنادار مستقیم بین مدیران غیرموظف با دقت پیش بینی سود و رابطه معکوس درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با خطای پیش بینی سود بود.

۵- کارامانو و وافیس (۲۰۰۵) به بررسی پیش بینی های سود توسط مدیریت به عنوان معیاری از کیفیت افشا در خصوص ۲۷۵ شرکت معتبر در آمریکا در طول دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۵ پرداختند. آنان دریافتند که درصد اعضای خارجی (غیرموظف) با دقت بیشتر پیش بینی که از طریق میزان مطلق خطای پیش بینی اندازه گیری می شود، رابطه مستقیمی دارد. همچنین، در این تحقیق آنان رابطه بین ساختار مالکیت و دقت پیش بینی را آزمون کردند و دریافتند که هرچقدر درصد مالکیت مدیران (اعضای

Second International Conference on Management and Development Culture

هیأت مدیره) بالاتر باشد، اعتماد به پیش بینی سود توسط مدیریت کاهش می یابد. شواهد آنان نشان می دهد که اندازه هیأت مدیره هیچ رابطه ای با دقت پیش بینی سود توسط مدیریت ندارد.

۶- نتایج تحقیق چین و همکاران (۲۰۰۶) با بررسی ۵۲۸ شرکت تایوانی در فاصله سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱، اندازه هیئت مدیره رابطه مستقیمی با کیفیت افشا دارد.

۷- بدارد و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که مشخصه های هیأت مدیره مانند اندازه، استقلال اعضا و دوگانگی وظیفه مدیر عامل رابطه معنی داری با باورپذیری پیش بینی های سود توسط مدیریت ندارد.

۸- نورواتی و همکاران (۲۰۱۰) رابطه بین حاکمیت شرکتی و دقت پیش بینی های سود را بررسی نمودند. نمونه مورد بررسی شامل ۲۳۵ شرکت مالزیایی در دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۵ بود. آنان به این نتیجه رسیدند که کمیته های حسابرسی که دارای اعضای غیرموظف هستند و نیز اندازه کمیته حسابرسی با خطای مطلق پیش بینی رابطه منفی دارد. به بیان دیگر، اندازه کمیته حسابرسی با دقت پیش بینی سود رابطه مثبتی دارد. همچنین نتایج نشان داد که هر چقدر اعضای بدون پست اجرایی در کمیته حسابرسی و نیز اندازه کمیته حسابرسی بیشتر باشد، دقت پیش بینی های سود توسط مدیریت بیشتر است. ضمن اینکه هیچ رابطه معنی داری بین مشخصه های هیأت مدیره و دقت پیش بینی سود مشاهده نگردید. از دیگر نتایج تحقیق وجود رابطه مثبت بین اندازه شرکت با دقت پیش بینی سود است. این نتایج بیانگر آن است که پیش بینی های سود در شرکت های بزرگتر از اعتبار بیشتری برخوردار است.

۵- تحقیقات داخلی

۱- مشایخ و محمدآبادی (۱۳۸۵) رابطه مکانیزمهای حاکمیت شرکتی را با کیفیت سود بررسی نمودند. آنان در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که با بیشتر شدن تعداد جلسات هیأت مدیره و افزایش حضور مدیران غیرموظف در آن، کیفیت (پایداری و توان پیش بینی) سود حسابداری افزایش یافته است. این در حالی است که بین تفکیک مسؤلیتهای مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره از یکدیگر و کیفیت (پایداری و توان پیش بینی) سود رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج بیانگر نبود رابطه معنادار بین کیفیت ارقام تعهدی، به عنوان یکی از سنجه های کیفیت سود، با مکانیزمهای حاکمیت شرکتی است. مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) در تحقیقی که در آن رابطه بین کیفیت سود و تعداد مدیران غیرموظف و درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره را بررسی کردند به این نتیجه رسیدند که این دو متغیر تأثیر قابل توجهی بر ارتقای کیفیت سود دارد.

۲- آقایی و چالاک (۱۳۸۸) رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را بررسی نمودند. در این تحقیق برای اندازه گیری کیفیت سود از ارقام تعهدی غیرعادی استفاده شد. یافته های تحقیق حاکی از آن است که بین مالکیت نهادی و استقلال هیأت مدیره با مدیریت سود رابطه معنادار منفی وجود دارد، اما سایر ویژگیهای حاکمیت شرکتی با مدیریت سود رابطه معناداری ندارند.

۳- ستایش و کاظم نژاد (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته های بررسی ۷۷ شرکت در قلمرو زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ نشان داد که مالکیت شرکتی و استقلال هیئت مدیره به طور مثبت و مالکیت نهادی به طور منفی، نسبت سود تقسیمی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را تحت تأثیر قرار می دهد. همچنین شواهدی دال بر وجود رابطه معنادار بین مالکیت مدیریتی و میزان تمرکز مالکیت با سیاست تقسیم سود مشاهده نشد.

۴- امیر رسائیان (۱۳۸۹) در پژوهش خود رابطه میان برخی از ویژگی های هیئت مدیره بر ساختار سرمایه شرکت ها در نود شرکت پذیرفته شده در بورس تهران مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش، اندازه هیئت مدیره، دوگانگی مسؤلیت مدیرعامل و درصد مدیران غیرموظف هیئت مدیره به عنوان متغیرهای مستقل و نسبت بدهی (معیار ساختار سرمایه) به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در شرکت هایی که وظایف رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل از یکدیگر تفکیک نشده

Second International Conference on Management and Development Culture

است و نیز در شرکت‌های با تعداد کمتر اعضای هیئت مدیره، میزان استفاده از بدهی افزایش می‌یابد. در حالی که، هیچ رابطه معناداری میان نسبت مدیران غیرموظف هیئت مدیره و ساختار سرمایه یافت نشد.

۵- لطفی و حاجی پور (۱۳۸۹) تأثیر محافظه‌کاری را بر خطای مدیریت در پیش‌بینی سود می‌پردازند. با توجه به داده‌های ۸۸ شرکت برای دوره ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. به عبارت دیگر در شرکتهایی که حسابداری محافظه‌کارانه‌تری دارند، خطای مدیریت در پیش‌بینی سود کمتر است.

۶- اسماعیل زاده مفری و همکاران (۱۳۸۹) تأثیر حاکمیت شرکتی را بر کیفیت سود بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان داد که بین درصد مدیران غیرموظف، دوگانگی وظیفه‌مدیر عامل و اندازه حسابرسی شرکت با کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد. احمد پور و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین ساختار هیئت مدیره و سرمایه‌فکری شرکت‌های داروسازی حاضر در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که متغیر مستقل تعداد اعضای هیئت مدیره بر سرمایه‌فکری شرکت‌ها اثر مثبت داشته است در حالی که دو متغیر درصد اعضای غیرموظف و به کل اعضای هیئت مدیره و درصد مالکیت هیئت مدیره با سرمایه‌فکری رابطه معناداری نداشته است.

۷- ثقفی و صفر زاده (۱۳۹۰) با انجام پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و کیفیت سود بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۱۷ شرکت ایرانی می‌پردازد. ویژگی‌های مورد مطالعه برای هیئت مدیره در این تحقیق شامل؛ جدایی نقش مدیر عامل از رئیس هیئت مدیره، استفاده از اعضای غیرموظف در هیئت مدیره، استفاده از متخصص حسابداری در هیئت مدیره، استفاده اعضای هیئت مدیره از خدمات مشاوره و تغییر مدیر عامل هستند. به علاوه، کیفیت سود نیز به ۷ شیوه مختلف اندازه شده است. در حضور متغیرهای کنترلی همچون اندازه شرکت، اهرم مالی، جریانهای نقدی عملیاتی و انتظارات رشد سودآوری آتی، محققان دریافته‌اند که شاخص معرفی شده برای هیئت مدیره با معیارهای پایداری سود، هموارسازی سود و محافظ‌هکاری سود، ارتباط منفی معنادار و با معیار به موقع بودن سود، ارتباط مثبت معنادار داشته، اما با معیارهای کیفیت اقلام تعهدی، قابلیت پیش‌بینی سود و ارتباط ارزشی سود ارتباط معناداری ندارد.

۹- عرب مازار یزدی و طاهرخانی (۱۳۹۰) در پژوهشی که انجام دادند، تأثیر ترکیب هیئت مدیره بر عملکرد ۱۳۰ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در فاصله زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۶ بررسی نمودند. نتایج آزمون فرضیه مطرح شده در این تحقیق نشان داد که متغیرهای راهبری شرکتی شامل تعداد اعضای هیئت مدیره و تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و تعداد سهامداران عمده هیچ تأثیری بر بازده حقوق صاحبان سهام ندارد.

۶- جامعه مطالعاتی و نمونه آماری و روش تجزیه تحلیل داده‌ها:

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. اما از آنجا که جامعه مورد مطالعه بسیار وسیع است و به لحاظ زمان و هزینه امکان مطالعه تمام اعضاء آن مقدور نمی‌باشد، لذا محقق به انتخاب نمونه‌ای از جامعه که معرف آن باشد اقدام نموده و با مطالعه آن به برآورد ویژگی‌های جامعه پرداخته است. نمونه عبارت است از تعداد محدودی از آحاد جامعه آماری که بیان‌کننده ویژگی‌های اصلی جامعه باشد. به طور کلی برای انتخاب نمونه از دو روش انتخاب تصادفی (احتمالی) و انتخاب (غیر تصادفی) غیر احتمالی استفاده می‌شود. در این پژوهش برای انتخاب نمونه تحقیق از بین جامعه آماری با استفاده از روش غیر تصادفی حذف نظام مند، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بوده‌اند انتخاب گردیدند:

- به منظور همگن شدن نمونه آماری، قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- جزو شرکت‌های صنایع واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند.
- در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ زیان ده نبوده و تغییر فعالیت یا دوره مالی نداشته باشند.
- به دلیل افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- سود پیش‌بینی شده هر سهم شرکت در پایان سه ماهه سوم اعلام شده باشد.

Second International Conference on Management and Development Culture

پس از حذف شرکت‌هایی که فاقد ویژگی‌های فوق بودند، در نهایت تعداد ۹۶ شرکت و به عبارتی ۳۸۴ مشاهده (سال - شرکت) استخراج گردید. در این پژوهش، ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده در محیط نرم افزار اکسل مرتب می‌شوند و سپس این داده‌های خام را وارد نرم افزار SPSS می‌کنیم و از طریق ابزارهای موجود، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. اما پیش از آزمون فرضیه‌ها به منظور اطمینان از برقراری پیش فرض استفاده از مدل رگرسیونی و نیز اطمینان از قابل اتکا بودن نتایج، آزمون همخطی، نرمال بودن کلموگروف-اسمیرنوف و آزمون دوربین - واتسون انجام می‌گیرد. با استفاده از آزمون (K-S) کلموگروف-اسمیرنوف به ارزیابی نرمال بودن جمله‌های خطا پرداخته می‌شود. اگر اجزای باقیمانده از توزیع نرمال برخوردار باشند، می‌توان ادعا کرد که جامعه نیز دارای توزیع نرمال است. برای اثبات نرمال بودن توزیع، باید سطح معناداری (sig) بیشتر از ۰.۰۵ باشد. کاربرد آزمون دوربین واتسون^{۱۰} نیز ارزیابی استقلال اجزای خطا در مدل رگرسیون است. رگرسیون خطی زمانی قابل استفاده و قابل اتکاست که اجزای خطا در آن مستقل باشند. چنانچه آماره آزمون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، می‌توان نتیجه گرفت که اجزای خطا در مدل همبستگی^{۱۱} معناداری با هم ندارند و رفتار آنها مستقل است. پس از انجام آزمون‌های فوق، نوبت به ارزیابی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی (متغیرهای مستقل) بر دقت پیش بینی سود (متغیر وابسته) پرداخته می‌شود. بدین منظور جهت تعیین تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شده است. مدل رگرسیونی چند متغیره^{۱۲} تحقیق که به منظور آزمون فرضیات استفاده می‌شود، به شرح زیر است:

$$AFE_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SIZE_{it} + \alpha_2 RNE_{it} + \alpha_3 DUAL_{it} + \alpha_4 CHNG_{it} + \alpha_5 AGE_{it} + \alpha_6 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن داریم:

AFE: خطای پیش بینی سود مدیریت

RNE: عبارت است از نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره.

SIZE: اندازه هیئت مدیره. برابر است با تعداد اعضای هیئت مدیره.

DUAL: دوگانگی وظایف مدیرعامل. اگر مدیر عامل رئیس هیأت مدیره باشد، برابر عدد ۱ و در غیر این صورت برابر صفر در نظر گرفته می‌شود.

CHNG: تغییر مدیرعامل. چنانچه تغییر مدیر عامل داشته باشیم عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

AGE: عمر شرکت. برابر است با لگاریتم تعداد سنوات عمر شرکت

LEV: اهرم. برابر است با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت

۷- فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اول: بین اندازه هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین جدایی نقش هیئت مدیره و مدیرعامل و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تغییر مدیرعامل و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.

۸- تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش:

الف - آزمون فرضیه اول: این فرضیه بیان می‌دارد: "بین اندازه هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد"

جدول شماره (۱) نتایج ارتباط بین اندازه هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود

مؤلفه	ضریب B	خطای استاندارد	T	Sig
مقدار ثابت	۸۱۶/۲۴۵		۰/۵۷۳	۰/۵۶۸
اندازه هیئت مدیره	-۷۰/۸۷۵	-۰/۰۲۶	-۰/۲۵۰	۰/۸۰۱
۰/۰۱۰ = ضریب تعیین اصلاح شده		۲/۳۱۰ = دوربین - واتسون		

طبق یافته های حاصل از تحلیل داده ها در ارتباط با تأثیر متغیر پیش بین اندازه هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود می توان گفت که ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (-۷۰/۸۷۵) و مقدار تی بدست آمده برای این ضرایب (-۰/۲۵۰) می باشد که این مقدار در سطح (۰/۸۰۱) معنادار نمی باشد. بنابراین می توان گفت که فرضیه مورد مطالعه مورد تأیید واقع نمی شود. لذا بین دو متغیر اندازه هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود ارتباط معنی داری وجود ندارد، لذا این نشان دهنده این است که اندازه هیئت مدیره هیچ تأثیری بر دقت پیش بینی سود ندارد.

ب - تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه دوم: این فرضیه بیان می دارد: "بین درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد"

جدول شماره (۲): نتایج ارتباط بین درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود

مؤلفه	ضریب B	خطای استاندارد	T	Sig
مقدار ثابت	۲۰۷/۷۵۰		۰/۸۴۲	۰/۴۰۲
درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۳۹۹/۱۰۵	۰/۱۰۹	۱/۰۶۵	۰/۲۹۰
۰/۰۰۱ = ضریب تعیین اصلاح شده		۲/۳۶۷ = دوربین - واتسون		

طبق یافته های حاصل از تحلیل داده ها در ارتباط با تأثیر متغیر درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود می توان گفت که ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۳۹۹/۱۰۵) و مقدار تی بدست آمده برای این ضرایب (۱/۰۶۵) می باشد که این مقدار در سطح (۰/۲۹۰) معنادار نمی باشد، بنابراین می توان گفت که فرضیه مورد مطالعه مورد تأیید واقع نمی شود. لذا بین دو متغیر درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود ارتباط معنی داری وجود ندارد، لذا این نشان دهنده این است که درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره تأثیری بر دقت پیش بینی سود ندارد.

ج - تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه سوم: این فرضیه بیان می دارد: "بین جدایی نقش رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد"

جدول شماره (۳) نتایج ارتباط بین جدایی نقش هیئت مدیره و مدیرعامل و دقت پیش بینی سود

مولفه	ضریب B	خطای استاندارد	T	Sig
مقدار ثابت	۴۶۴/۶۸۹		۶/۹۴۱	/۰۰۰
جدایی نقش رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل	-۴۷۸/۹۶۴	-/۰۵۶	-/۵۴۸	/۵۸۵
-/۰۰۷ = ضریب تعیین اصلاح شده		۲/۳۳۶ = دوربین - واتسون		

طبق یافته های حاصل از تحلیل داده ها در ارتباط با تأثیر متغیر جدایی نقش هیئت مدیره و مدیرعامل و دقت پیش بینی سود می توان گفت که ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (-۴۷۸/۹۶۴) و مقدار تی بدست آمده برای این ضرایب (-/۵۴۸) می باشد که این مقدار در سطح (/۵۸۵) معنادار نمی باشد، بنابراین می توان گفت که فرضیه مورد مطالعه مورد تأیید واقع نمی شود. لذا بین دو متغیر جدایی نقش هیئت مدیره و مدیرعامل و دقت پیش بینی سود ارتباط معنی داری وجود ندارد، لذا این نشان می دهد که جدایی نقش هیئت مدیره و مدیرعامل تأثیری بر دقت پیش بینی سود ندارد.

د - تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه چهارم: این فرضیه بیان می دارد: "بین تغییر مدیرعامل و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد"

جدول شماره (۴) نتایج ارتباط بین ثبات مدیرعامل و دقت پیش بینی سود

مولفه	ضریب B	خطای استاندارد	T	sig
مقدار ثابت	۴۰۸/۵۳۹		۳/۷۹۴	/۰۰۰
تغییر مدیرعامل	۲۱۸/۷۴۵	/۰۶۴	/۶۱۹	/۵۳۷
-/۰۰۷ = ضریب تعیین اصلاح شده		۲/۳۳۳ = دوربین - واتسون		

طبق یافته های حاصل از تحلیل داده ها در ارتباط با تأثیر متغیر پیش بین ثبات مدیر عامل و دقت پیش بینی سود می توان گفت که ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۲۱۸/۷۴۵) و مقدار تی بدست آمده برای این ضرایب (/۰۶۱۹) می باشد که این مقدار در سطح (/۵۳۷) معنادار نمی باشد، بنابراین می توان گفت که فرضیه مورد مطالعه مورد تأیید واقع نمی شود. لذا بین دو متغیر تغییر مدیرعامل و دقت پیش بینی سود ارتباط معنی داری وجود ندارد، لذا این نشان دهنده این است که تغییر مدیرعامل هیچ تأثیری بر دقت پیش بینی سود ندارد.

ه- تجزیه و تحلیل متغیرهای کنترلی: با توجه به یافته های پژوهش در خصوص ارتباط بین متغیرهای کنترلی عمر شرکت و اهرم و دقت پیش بینی سود شرکت، مقدار آماره دوربین - واتسون (۲/۱۶۱) نشان دهنده استقلال خطاها از یکدیگر است و نشان می دهد که امکان استفاده از مدل رگرسیون برای آزمون فرضیه ها وجود دارد. از سوی دیگر، مقدار (F=۸/۳۱۷) و سطح معناداری آن (sig= /۰۰۰) آماره بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیون است که این نشان می دهد حداقل یک متغیر توضیحی وجود دارد که بر تغییرات متغیر وابسته موثر است. همچنین، تفاوت کم بین (R² = /۳۹۰) و (R² تعدیل شده /۱۵۲) حاکی از آن است که حذف برخی از متغیرهای کنترلی از مدل رگرسیونی توان تبیین مدل را به طور عمده تحت تأثیر قرار نمی دهد و رابطه متغیرهای مستقل و وابسته تحت تأثیر متغیرهای کنترلی قرار ندارد. البته، ضریب متغیر کنترلی اهرم و سطح معناداری

(sig=/.۰۰۰) شرکت با توجه به آماره معنادار است و لذا مشمول این قاعده قرار نمی گیرد. معنادار بودن متغیر اهرم شرکت از دقت پیش بینی بیشتری برای سود برخوردار است. نتایج در جدول شرح زیر ارائه گردیده است.

مولفه	ضریب B	خطای استاندارد	T	sig
مقدار ثابت	۱۳۶۷/۰۳۶		۵/۱۶۹	/۰۰۰
عمر شرکت	-۱/۷۶۴	-/۰۳۵	-/۳۶۶	/۷۱۵
اهرم شرکت	-۱۳۲۵/۰۹۶	-/۳۸۴	-۳/۹۹۳	/۰۰۰
-/۱۳۳ = ضریب تعیین اصلاح شده		۲/۱۶۱ = دوربین - واتسون		
F آماره = ۸/۳۱۷		R ² = /۳۹۰		
= /۰۰۰ سطح معناداری		R ² Square = /۱۵۲		

جدول شماره (۵)

۹- نتیجه گیری:

پیش بینی سود حسابداری و تغییرات آن به عنوان رویدادی اقتصادی از دیرباز مورد علاقه سرمایه گذاران، مدیران، تحلیلگران مالی، پژوهشگران و اعتباردهندگان بوده است. مهم ترین منبع اطلاعاتی سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده کنندگان پیش بینی های سود ارایه شده توسط شرکت ها است. با توجه به اهمیت سود هر سهم افشا شده توسط شرکت ها، در پژوهش حاضر، رابطه میان برخی ویژگی های هیئت مدیره به عنوان یکی از سازوکار های نظام راهبری شرکت و ساختار سرمایه شرکت ها در قالب چهار فرضیه آزمون شد. در هر یک از فرضیه ها، دقت پیش بینی سود به عنوان متغیر وابسته و اندازه هیئت مدیره، درصد مدیران غیرموظف، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و تغییر مدیرعامل به عنوان متغیر های مستقل به ترتیب در فرضیه های اول، دوم، سوم و چهارم در نظر گرفته شدند و متغیر های کنترلی عمر شرکت و اهرم نیز وارد مدل چند متغیره رگرسیونی شدند. تحلیل ضرایب مدل رگرسیون، تمام فرضیه ها را رد نمود و بیانگر این بود که دقت پیش بینی سود ارتباطی با اندازه هیئت مدیره، درصد مدیران غیرموظف، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و تغییر مدیرعامل ندارد. شاید شرایط سیاسی و اقتصادی سال های اخیر بی ارتباط با این موضوع نباشد و آن را به عنوان عاملی در نظر گرفت که پیش بینی سود مدیران را تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر آنچه که مسلم است این است که در ایران اختلاف بین سود پیش بینی شده و سود واقعی بیش از حد انتظار است و عموماً نیز سود پیش بینی شده از سود واقعی پیشی می گیرد.

الف - نتایج فرضیه اول: این فرضیه بیان می کند که "بین اندازه هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد". با آزمون این ادعا و براساس نتایج حاصله مشاهده شد که ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (-۷۰/۸۷۵) و مقدار تی بدست آمده برای این ضرایب (-/۲۵۰) می باشد که این مقدار در سطح (۰/۸۰۱) معنادار نمی باشد. بنابراین فرضیه اول در سطح اطمینان تأیید نشد. بدین معنا که اندازه هیئت مدیره هیچ تأثیری بر دقت پیش بینی سود ندارد. نتیجه این پژوهش با یافته های کارامانو و وافیس (۲۰۰۵) همخوانی دارد اما بر خلاف نتایج تحقیق چاین و همکاران (۲۰۰۶) بود که بیان می کرد بین اندازه هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود رابطه مثبتی وجود دارد. به نظر می رسد که این امر ناشی از تعداد یکسان هیئت مدیره برای اکثر شرکتهای ایرانی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشد. پس از گردآوری

Second International Conference on Management and Development Culture

اطلاعات و انجام پژوهش مشاهده گردید که در اکثر شرکت ها تعداد اعضای هیئت مدیره پنج نفر است و تعداد انگشت شماری از آنها دارای هفت عضو هیئت مدیره بودند. افزایش تعداد اعضاء مشکلاتی نیز با خود به همراه دارد که از این موارد می توان به افزایش هزینه ها، مشکلات ناشی از هماهنگی اعضاء و در نتیجه کاهش کیفیت ارتباطات میان آنها اشاره نمود یقیناً با توجه به این شرایط نمی توان ارتباط منطقی بین تعداد اعضاء هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود برقرار کرد.

ب- نتایج فرضیه دوم: این فرضیه بیان می کند " بین درصد اعضاء غیرموظف هیئت مدیره و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد ". با آزمون این ادعا و براساس نتایج حاصله مشاهده شد ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۳۹۹/۱۰۵) و مقدار تی بدست آمده برای این ضرایب (۱/۰۶۵) می باشد که این مقدار در سطح (۲۹۰/۱) معنادار نمی باشد. بدین معنا که درصد اعضاء غیرموظف هیئت مدیره تأثیری بر دقت پیش بینی سود ندارد. در حالیکه طبق یافته های آجینکا و همکاران (۲۰۰۵)، کارامانو و وافیس (۲۰۰۵) و سبزعلی پور و همکاران (۱۳۹۱) انتظار می رفت بین درصد اعضاء غیرموظف هیئت مدیره و دقت پیش بینی ارتباط معناداری وجود داشته باشد. دلایل احتمالی آن را می توان متغیرهای داخلی و خارجی مانند نوع صنعت، چرخه عمر متفاوت شرکت ها، قرار گرفتن در کشورهای مختلف، روش شناسی های متفاوت در پژوهش ها و دیدگاه های متضاد درباره مشارکت هیئت مدیره در تصمیم گیری دانست. از دلایل دیگر نیز، عدم استقلال کافی مدیران غیرموظف برای اعمال نقش نظارتی آنها است.

ج- نتایج فرضیه سوم: این فرضیه بیان می کند که " بین جدایی نقش رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد ". با آزمون این ادعا و براساس نتایج حاصله مشاهده شد که ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (-۴۷۸/۹۶۴) و مقدار تی بدست آمده برای این ضرایب (-۱/۵۴۸) می باشد که این مقدار در سطح (۵۸۵/۱) معنادار نمی باشد. بدین معنا جدایی نقش رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل تأثیری بر دقت پیش بینی سود ندارد. یافته های حاصل از تحلیل آماری در ارتباط با آزمون این فرضیه منطبق با نتایج سبزعلی پور و همکاران (۱۳۹۱) است. پس از انجام پژوهش مشاهده گردید که در اکثر شرکت های مورد مطالعه محقق (بیش از ۹۸٪) این دو وظیفه تفکیک شده است. بنابراین به دلیل تعداد اندک شرکت هایی که در آن رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شخص واحدی است نمی توان به ارتباطی منطقی بین دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و دقت پیش بینی سود رسید. شاید اگر مواردی را که در آن مدیرعامل نایب رئیس هیئت مدیره نیز باشد مورد بررسی قرار دهیم، به نتایج متفاوتی دست پیدا کنیم زیرا که در تعداد بالایی از شرکت های بزرگ ایرانی، مدیرعامل به طور همزمان نایب رئیس هیئت مدیره نیز می باشد.

د- نتایج فرضیه چهارم: این فرضیه بیان می کند که " بین تغییر مدیرعامل و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد ". با آزمون این ادعا و براساس نتایج حاصله مشاهده شد ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۲۱۸/۷۴۵) و مقدار تی بدست آمده برای این ضرایب (۰/۰۶۱۹) می باشد که این مقدار در سطح (۵۳۷/۱) معنادار نمی باشد. بدین معنا که تغییر مدیرعامل هیچ تأثیری بر دقت پیش بینی سود ندارد. اگرچه انتظار می رفت که تغییر مدیرعامل بر روی پیش بینی سود اثر گذار باشد اما نتایج نشان داد که هیچ رابطه ای اعم از مثبت و منفی بین این دو وجود ندارد و در این شرکت ها دقت پیش بینی سود متأثر از عوامل دیگری است.

۱۰- موانع و محدودیت های تحقیق:

در تمام تحقیقاتی که صورت می گیرد، محدودیت ها جزء لاینفک تحقیق هستند. در این پژوهش نیز محدودیت هایی اجتناب ناپذیر وجود داشت که به ذکر مهمترین آنها می پردازیم.

۱- مطالعه حاضر از داده های مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ جهت بررسی رابطه بین دقت پیش بینی سود و ویژگی های هیئت مدیره استفاده نمود. اگرچه با استفاده از تکنیک داده های تلفیقی، مشکلات احتمالی مربوط به دوره زمانی کوتاه تحقیق (دوره ۴ ساله) تا حد زیادی مرتفع گردید، اما استفاده از دوره زمانی طولانی تر می تواند نتایج تحقیق را تحت الشعاع قرار دهد.

Second International Conference on Management and Development Culture

- ۲- در عملیاتی کردن متغیر هیئت مدیره به تمام مولفه ها وزن یکسانی اختصاص یافت. با توجه به اینکه برخی شرکت ها در برخی مولفه های هیئت مدیره قوی تر هستند، لذا وزن دهی مولفه ها می تواند به نتایجی متفاوت با نتایج ارائه شده منتج گردد.
- ۳- در تعیین برخی از مؤلفه های هیئت مدیره در ایران، صرفاً به وجود آنها توجه شد. این در حالی است که توجه به اثربخشی آن مولفه ها می تواند نتایج مطالعه را تحت تاثیر قرار دهد.
- ۴- نسبت های مالی و صورت های مالی ارائه شده توسط شرکت ها بر اساس اطلاعات تاریخی هستند، در حالی که، تصمیم گیرندگان برای اتخاذ تصمیم های صحیح باید اطلاعات جاری شرکت ها یا اطلاعات تعدیل شده بر اساس تورم را نیز در اختیار داشته باشند. چه بسا، نتایج تحقیق با اطلاعات تعدیل شده بر اساس تورم، با نتایج فعلی متفاوت شود.
- ۵- برخی از شرکتها اطلاعات مربوط به هیئت مدیره از قبیل مدیران غیرموظف را در گزارشات خود افشا نکرده بودند، که این خود موجب محدود شدن دامنه انتخاب محقق گردید.

۱۱- پیشنهادهایی مبنی بر یافته های پژوهش

خطای پیش بینی سود در شرکت های ایرانی بالاست و باید برای کاهش این خطا راهکارهای مناسبی اندیشیده شود، مقررات خصوصی وضع گردد و با شرکت هایی که اختلاف زیادی در سود پیش بینی شده و واقعی دارند برخورد نمود. پیشنهاد می شود که مدیران از افراد کارشناس جهت پیش بینی سود استفاده کنند تا این کار به موضوعی تخصصی تبدیل شود و از ارائه پیش بینی های گمراه کننده پرهیز شود. با توجه به خوش بینی سود توسط مدیران ایرانی، پیشنهاد می شود که مدیران، سود را با خوش بینی کمتر پیش بینی کنند و در پیش بینی سود دقت بیشتری به کار برند.

۱۲- پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی

- با به پایان رساندن هر کار پژوهشی شاید بتوان ادعا نمود که به پاسخ تعدادی از سؤالات در خصوص موضوع مورد پژوهش دست یافته ایم اما یقیناً دری نیز بر روی بسیاری از سؤالات دیگر گشوده ایم که پاسخگویی به آنها مستلزم انجام تحقیقات بعدی است. بدین ترتیب پژوهش هایی که پیشنهاد می گردد در ادامه تحقیق حاضر انجام گیرد به شرح زیر می باشند:
- ۱- بررسی تأثیر ساختار هیئت مدیره بر سایر ویژگیهای پیش بینی سود نظیر سوگیری، به موقع بودن و تعداد دفعات تجدید نظر
 - ۲- بررسی رابطه سایر عوامل مربوط به ساختار هیئت مدیره از قبیل تحصیلات، آموزش مدیران، حقوق و مزایای اعضاء هیئت مدیره، استفاده از مدیران متخصص مالی در هیئت مدیره، استقلال اعضای هیئت مدیره و مدت زمان مدیریت در یک شرکت با دقت پیش بینی سود
 - ۳- تأثیر عوامل کلان اقتصادی نظیر تولید ناخالص داخلی، تورم و ... بر دقت پیش بینی سود شرکتها
 - ۴- بررسی ارتباط بین خطای پیش بینی سود با تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در دوره های مختلف زمانی
 - ۵- بررسی رابطه بین ویژگی های هیئت مدیره با کیفیت سود و همچنین مدیریت سود
 - ۶- بررسی رابطه سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی از قبیل نظارت قانونی، کنترل های داخلی، تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، اتکای بر بدهی و... با دقت پیش بینی سود

پی نوشت ها :

- ۱-Corporate governance
- ۲-Ownership interests of shareholders
- ۳-Board of Directors
- ۴-Profit forecasts

Second International Conference on Management and Development Culture

۵-Information Content

۶-Performance

۷-Pricing of shares

۸-Time series

۹-Accruals

۱۰-Watson camera test

۱۱-Correlation Model

۱۲-Stepwise multiple regression model

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی:

- ۱- احمدپور، احمد؛ اسفندیار ملکیان، محمدجواد زارع بهمنمیری و طینب نادى ۱۳۹۱، بررسی نقش ساختار هیئت مدیره بر سرمایه فکری شرکتها با رویکرد فازی، مطالعه موردی شرکتهای داروسازی بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، سال سوم، شماره ۸
- ۲- آقایی، محمد علی و پری چالاکى، ۱۳۸۸، بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران، مجله تحقیقات حسابداری، سال اول، شماره ۴
- ۳- ثقفی، علی، صفرزاده، محمدحسین، ۱۳۹۰، کیفیت سود و ویژگی های هیئت مدیره: تحلیل تجربی، مجله دانش حسابداری، سال یازدهم، شماره ۴۴
- ۴- حساس یگانه، یحیی، باغومیان، رافیک، ۱۳۸۵، نقش هیئت مدیره در حاکمیت شرکتی، مجله ، سال بیستم، شماره ۱۷۳
- ۵- حساس یگانه، یحیی، ۱۳۸۵، حاکمیت شرکتی در ایران، مجله حسابرس ، سال بیستم، شماره ۳۲
- ۶- رسائیان، امیر، ۱۳۸۹، بررسی تأثیر ویژگی های هیئت مدیره بر ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوفصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۱۰
- ۷- سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۶، آیین نامه اصول راهبری شرکتی، انتشارات سازمان بورس اوراق بهادار تهران.
- ۸- ستایش، محمدحسین؛ کاظم نژاد، مصطفی، ۱۳۸۹، بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری ، سال اول، شماره ۱
- ۹- سبزی علی پور، فرشاد؛ قیطاسی، روح اله؛ رحمتی، سلمان، ۱۳۹۱، بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش بینی سود، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۲
- ۱۰- سینا قدس، علی، ۱۳۸۷، حاکمیت شرکتی و اصلاح ساختار هیئت مدیره، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۵۹
- ۱۱- شعری، صابر؛ مرفوع، محمد، ۱۳۸۷، رابطه درصد اعضای غیر موظف در ترکیب هیات مدیره و سرمایه گذاران نهادی با پیش بینی سود شرکتها، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۷
- ۱۲- عرب مازار یزدی، محمد؛ طاهرخانی، رضا، ۱۳۹۰، تأثیر ترکیب هیات مدیره بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۹
- ۱۳- لطفی، احمد؛ حاجی پور، میثم، ۱۳۸۹، تأثیر محافظه کاری بر خطای مدیریت در پیش بینی سود، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره ۴
- ۱۴- مشایخ، شهناز؛ شاهرخ، سیده سمانه، ۱۳۸۶، بررسی دقت پیش بینی سود توسط مدیران و عوامل مؤثر بر آن، شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، مجله توسعه و سرمایه، سال اول، شماره ۱
- ۱۵- ملکیان، اسفندیار و همکاران، ۱۳۸۹، عوامل مؤثر بر دقت سود پیش بینی شده توسط شرکت ها، شواهدی از: بازار بورس و اوراق بهادار تهران، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱
- ۱۶- نمازی، محمد؛ منفرد مهارلوئی، محمد، ۱۳۹۰، بررسی تأثیر حدود عملیات شرکت بر ساختار هیئت مدیره (مورد مطالعه: شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران)، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۷

ب) منابع لاتین

Second International Conference on Management and Development Culture

- 1- Ajinkya, B., Bhojraj, S. and Sengupta, P. 2005, The association between outside directors, institutional investors and the properties of management earnings forecasts, *Journal of Accounting Research*, 43: 343-75.
- 2- Bedard, J., Coulombe, D. and Cousteau, L. 2008, Audit committee, underpricing of IPOs, and accuracy of management earnings forecasts.
- 3- Cadbury Code, 1992, Report of the Committee on the Financial Aspects of Corporate Governance: The Code of Best Practice, London: Gee Professional Publishing.
- 4- Chan, et al. 1996, Possible factors of the accuracy of prospectus earnings forecasts in Hong Kong. *International Journal of Accounting*, 31: 381-398.
- 5- Chin, C.L., Klein man, G., Lee, P. and Lin, M.F. 2006, Corporate ownership structure and accuracy and bias of mandatory earnings forecast: evidence from Taiwan. *Journal of International Accounting Research*, Vol. 5 No. 2, pp. 41-62.
- 6- Combined Code, The (June 1998) London: The London Stock Exchange Ltd
- 7- Corporate Governance: An International Review, Vol. 16 No. 6, pp. 519-35
- 8- Fama, E. F. and M.C. Jensen. 1983. The Separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26:301-325.
- 9- Firth, M. and Smith, A. 1992. The accuracy of profits forecasts in initial public offerings prospectuses. *Accounting & Business Research*, Vol. 22 No. 87, pp. 239-47.
- 10- Green, S. 2005. Sarbanes Oxley and the Board of Directors. John Wiley & Sons, Inc, Hoboken, New Jersey.
- 11- Higgs Report, 2003, Review of the Role and Effectiveness of Non-Executive Directors, London: Department of Trade and Industry.
- 12- Jelic, B., Saadouni, B. and Briton, R. 1998. The accuracy of earnings forecasts in IPO prospectuses on the Kuala Lumpur Stock Exchange. *Accounting & Business Research*, Vol. 29 No. 3, pp. 57-62.
- 13- Jensen, M.C. 1993, The Modern industrial Revolution, Exit, and the failure of the internal control systems. *Journal of Finance*, 48, 831-880.
- 14- Karamanou, I. and Vafeas, N. 2005, The Association between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earnings Forecasts: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting Research*, Vol. 43, pp. 453-486.
- 15- Krivogorsky, V. 2006, Ownership, board structure, and performance in continental Europe. *The International Journal of Accounting*. 41, 176-197.
- 16- Limpan, F. and Lipman, L. 2006, Corporate Governance Best Practices: Strategies for Public, Private and Not-for-Profit Organizations. John Wiley & Sons, Inc, Hoboken, New Jersey.
- 17- Lipton, M. & Lorsch, J. W. 1992, A Modest Proposal for Improved Corporate Governance?. *Business Lawyer*. 48, 59-77.
- 18- Nurwati A. et al. 2010, Corporate governance and earnings forecasts accuracy, *Asian Review of Accounting* Vol. 18 No. 1, 50-67
- 19- Solomon, J. 2007, Corporate Governance and Accountability. Second Edition, John Wiley & Sons, Ltd, England.
- Whetten, D. A. 1988, Sources, responses and effects of organizational decline. In: Cameron, K. S., Sutton, R. I. and Whetten, D. A. (eds) *Readings in Organizational Decline: Frameworks, Research, and Prescriptions*, 151-174. Ballinger, Cambridge, MA
- 20- Yermack D. 1996, Higher Market Valuation for Firms with a Small Board of Directors, *Journal of Financial Economics*, No.40